

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

نویسنده: گرامی یاد احمد قاسمی – بازتایپ و ارسال: همایون اوریا

۰۵ اکتوبر ۲۰۲۲

## جامعه شناسی

(۱۲)

### تأثیر تجارت در سازمان فنودالیه:

۱- وقتی که تجارت رونق گرفت، سینیور ها و اطرافیان آنها خواستند زندگانی خود شان را به وسیله اشیائی که به واسطه تجارت به دست آنها می رسید، مجلل و یا لافل آسوده تر گردانند. اگر زندگانی یک نفر از طبقات بالای اجتماع را در قرن ۱۱ و ۱۲ با هم بسنجیم، می بینیم که از جهت غذا و لباس و اثاثیه منزل و غیره خیلی مخارج او بالا رفته است.

به این طریق احتیاجات مالکان بزرگ زمین زیاد می شد و قیمت اجناس هم بالا می رفت؛ ولی درآمد مالکان مذکور آن قدر ها زیاد نمی شد. چون که آنها عواید شان را طبق آداب و رسومی به دست می آوردند، که مقدس شمرده می شد و بر آنها خیلی مشکل بود که از این آداب و رسوم تجاوز کرده، عایدی جدیدی تحصیل کنند. از این جهت خیلی از نجباء (یعنی مالکان بزرگ زمین) مقروض و یا ورشکسته شدند، مثلاً حکایت می کنند که در نیمه قرن ۱۳ در یکی از نواحی، عده شوالیه ها از ۶۰ نفر به ۱ یا ۲ نفر تقلیل پیدا کرد.

۲- البته بعضی از مالکان بزرگ در مقابل این بحران مقاومت کردند، به این معنی که آداب و رسوم قدیمه را نشکستند، اما توانستند تا حدی از گران شدن اجناس کم کنند. مثلاً سابقاً در هر "در خاناً" مهمی کارگاه هائی موجود بود و چندین ده نفر سرف را معطل می کرد که پارچه یا افزار کار بسازند و حال آن که همین لوازم به توسط پیشه ور های شهر مجاور ساخته می شد، بعضی از مالکان در صدد برآمدند که این نوع کارگاه ها را موقوف کنند و در قرن ۱۲ تقریباً در همه جا این کارگاه ها رو به زوال رفت.

۳- بسیاری از مالکان بزرگ که بعضی از اجناس کمیاب مثل نمک و شراب و غیره را در املاک شان پیدا نمی شد، زمین های دور دستی را تصاحب کرده بودند و این اجناس را از آنجا ها تهیه می کردند. اما وقتی که تجارت باب شد و تجار این اجناس را از جایی به جای دیگر می بردند، دیگر مالکان بزرگ احتیاجی نداشتند به این که زمین های دور دست را نگاه دارند، و شروع کردند به فروختن آنها.

۴- از تأثیرات دیگر تجارت این بود که چون کم کم اجناس از خارج خریداری می شد، خانه دار ها در صدد برآمدند که عایدی پولی خود شان را زیاد کنند، این امر آنها را وادار می کرد که سرواژ را از میان ببرند، یا از شدت آن کم

کنند. چون وقتی که سرفی را آزاد می کردند، دو فایده داشت: یکی این که سرف برای آزاد شدن پول می پرداخت، دیگر این که پس از آزاد شدن هم از زمینش صرف نظر نمی کرد و اجاره دار آن می شد. در همین موقع بود که سرف ها می توانستند تعهدات خود شان و مثلاً وظیفه بیگاری را به وسیله پول از سر خود شان وا کنند. کم کم پول می توانست همه چیز بشود.

۵ - نفوذ تجارت باز این اثر را داشت که نوع زراعت با زمین و آب و هوای آن مطابقت داده می شد. تا وقتی که حمل و نقل اشیاء خیلی کم صورت می گرفت و در حکم هیچ بود، لازم می آمد که سینیور به هر وسیله ای که است انواع و اقسام حبوبات را در زمین خودش به عمل بیاورد، چون که نمی توانست آنها را از جای دیگر تهیه کند. اما بعد از قرن ۱۲ که تجارت باب شد و اجناس را از جایی به جای دیگری حمل و نقل می کردند، سینیور ها در صدد برآمدند که فقط چیز هائی را در زمین های خود شان به عمل بیاورند که با زمین، آب و هوا مناسب داشته باشد و کم خرج تر به عمل بیاید.

۶ - در اثر تجارت بود که زمین ها متحرک شد، یعنی شروع کرد به دست به دست گشتن - به این طریق که دهقان در این موقع در شهر مجاورش یک بازار داشت و از این جهت ذوق پول داشتن و ذخیره کردن در او پیدا شد. در همین موقع هم بورژوا های پولدار شهر ها در صدد برآمدند که زمین خریداری کنند، چون که می خواستند منافعی را که از تجارت به دست می آوردند، در این زمین ها به کار بیندازند. به این ترتیب کم کم بعضی از زمین ها از دست صاحب های اولی خارج می شد و به دست صاحبان جدیدی می افتاد.

### **اشکالات حمل و نقل:** در قرون وسطی اشکالات زیادی در حمل و نقل انسان و اشیاء موجود بود. رومی های قدیم

مخصوصاً برای لشکرکشی های شان اهمیت زیادی به جاده ها می دادند و سعی داشتند که آنها را خوب نگاه بدارند. اما این جاده ها در دوره فئودالیت در اثر هرج و مرج هائی که پیش آمد، در اثر کم شدن قدرت مرکزی و کاسته شدن احتیاجات تجارتي، ویران شد و مثلاً در قرن نهم وضع اسف آوری داشت.

در دوره فئودالیت جاده های خوب از بین رفته بود. اما حقوق راهداری که سابقاً برای نگهداری و مرمت جاده ها گرفته می شد، همان طور باقی بود. حتی حقوق جدیدی هم پیدا شده بود و هیچ کدام از این ها به منظور اصلی نمی رسیده، حقوق راهداری در حقیقت یک نوع مالیاتی بود که به توسط سینیور ها گرفته می شد و حمل و نقل را به وجه شدیدی فلج می کرد. یک شاهی از این حقوق راهداری به خرج راه سازی نمی رسید و حقوق مذکور یک باری بود که بر تجارت تحمیل می شد و تا آخر آن را یکی از مواد زورگوئی و سوء استفاده سینیور ها می شمردند.

از این جهت اولین حقی که شهر های آزاد شده می خواستند، این بود که حقوق راهداری به نفع بورژوا ها نبود، لغو بشود. از قرن ۱۲ به بعد تاجر های متمدول شهر ها، موفق شدند که از پرداخت راهداری در ممالک بیگانه هم که از آنها عبور می کردند - تا حدی معاف بشوند. معذالک در سر راه تجار محل های زیادی برای گرفتن حقوق راهداری موجود بود، مثلاً در آخر قرن ۱۴ هنوز در روی رود آلب ۳۵ و در روی رود دانوب (فقط در اتریش سفلی) ۷۷ محل برای اخذ حقوق راهداری وجود داشت.

وضع جاده ها به معطل شدن اجناس کمک می کرد. در زمستان تقریباً غیرممکن بود از جاده هائی که پر از آب و گل می شد، بگذرند. نگهداری و مرمت جاده ها به عهده کسانی بود که نفعی در نگهداشتن آنها داشتند و قوای عمومی

تقریباً هیچ مداخله ای نمی کرد. از این جهت بهتر شدن وضع جاده ها فقط در اثر ابتکارات مسافر ها و کسانی بود که به زیارت جا های مقدس می رفتند.

بدیهی است که وسائل حمل و نقل باید با جاده ها جور بیاید، بالنتیجه عموماً از گاری های سبک دوچرخه استفاده می کردند، ولی قسمت خیلی بزرگ تجارت با اسب انجام می گرفت و به ندرت هم گاری های سنگین و چهارچرخه را در جاده هائی که سنگفرش بود مورد استفاده قرار می دادند.

این وضع جاده ها باعث شد که به فکر رودخانه ها افتادند و آنها را اگر چه غالباً در زمستان یخ می بستند و در تابستان ته می کشیدند، در بسیاری از جا ها مورد استفاده قرار دادند و از سد بندی و ابتکار های دیگر هم استفاده کردند.

تجارت در اثر این همه حقوق راهداری که در داخل کشور ها بر آن تعلق می گرفت، دچار موانع زیادی بود. اما در عوض، هیچ مانعی در سرحد های سیاسی برای تجار وجود نداشت و فقط در قرن ۱۴ بود که روش و حمایت تجارت داخلی، بروز کرد. قبل از این تاریخ هیچ دیده نشده بود که ترجیحی برای تجارت داخلی قائل بشوند و آن را در مقابل رقابت خارجی حمایت کنند.

روابط سینیور ها با هم در وضع اقتصادی خیلی تأثیر داشت! چون که به محض این که دو سینیور با هم می جنگیدند، تجار همدیگر را توقیف و کالای آنها را ضبط می کردند و کشتی های آنها را می گرفتند. جلوگیری از تجارت دشمن، یکی از وسائلی بود که برای مجبور ساختن او به ترک مخاصمه به کار می رفت.

اما همین که دو باره صلح برقرار می شد، اثری از این شیوه باقی نمی ماند و دیگر فکر استفاده از وسائلی که برای ورشکست کردن طرف به کار می رفت، فکر این که بازار های طرف را از او بگیرند و صنایع او را ضبط کنند، در هیچ جائی مشاهده نمی شد.

ادامه دارد